



## «ماجرای جمهوری خواهی سال ۱۹۲۴ میلادی» «نهضت جمهوری خواهی ۱۳۰۲ ه.شمسی»

دکتر فریدون عبدلی فرد

به طور کلی حکومت سلطنتی، بایستی دورنمایی از حکومت جمهوری را جلوه گر سازد و نشان دهد که علت تمام بدبختیها و عقب ماندگیهای مردم ایران حکومت سلطنتی و پادشاهان بی لیاقت آن است، در حالی که در حکومت جمهوری چون همیشه فردی تحصیل کرده و آگاه و مورد اعتماد و اعتقاد مردم در رأس قدرت قرار می گیرد با انجام یافتن برنامه های اجتماعی و اقتصادی صحیح، در مدتی اندک ایران نیز در ردیف کشورهای پیشرفته ی اروپایی قرار خواهد گرفت. از همین رو، در حالی که خود را بظاهر بی طرف نشان می داد، لیک در پشت پرده از طریق عوامل خود که بیشتر آنان را دوستان و نظامیان هم دوره اش تشکیل می دادند، شروع به تبلیغ خوبیهای رژیم جمهوری و تحریک روشنفکران و رجال سیاسی و تحصیل کرده ها به ترویج این افکار در میان مردم نمود.

سردار سپه افزون بر این کار، شروع به تبلیغ نارضایتی مردم از سلسله ی قاجاریه و هیاهو علیه پادشاهان بی کفایت آن توسط مطبوعات وابسته به خود نمود و روزنامه های آن ایام انتقادهای شدید علیه احمد شاه و بی کفایتی و بی خیالی وی را آغاز کردند و در مقابل آن با درج نوشته ها و سروده های سرایندهگان و نویسندگان موافق جمهوری مثل مرحوم عارف قزوینی هیجان عمومی را دامن زدند.

نمونه یی از آن نوشته ها غزل جمهوری عارف است بدین شرح:

به مردم این همه بیداد شد زمرکز داد  
زدیم تیشه بر این ریشه هر چه بادآباد  
از این اساس غلط این بنای پایه بر آب  
نتیجه نیست به تعمیر این خراب آباد

از جمله جریانهای سیاسی که رضا خان میرپنج سردار سپه (رضا شاه) برای قبضه کردن قدرت و کنار زدن قاجاریه و به سلطنت رسیدن خود انجام داد، طرح استقرار رژیم جمهوری در ایران بود.

سردار سپه بخوبی می دانست که برای ایجاد تزلزل در اعتقادات و باورهای مردم نسبت به سلسله ی قاجاریه و





همیشه مالک این ملک ملت است که داد  
سند به دست فریدون قباله دست قباد  
.....

به زور بازوی جمهور بود کز ضحاک  
گرفت داد دل خلق کاهه ی حداد  
کنون که می رسد از دور رایت جمهوری  
به زیر سایه ی آن زندگی مبارک باد  
پس از مصیبت قاجار عید جمهوری  
یقین بدان بود امروز بهترین اعیاد  
تو نیز فاتحه ی سلطنت بخوان عارف  
خداش با همه بد فطرتی بیمارزاد  
و در غزلی دیگر می گوید:

سوی بلبل دم گل باد صبا خواهد برد  
خبر مقدم گل تا همه جا خواهد برد  
مژده ده مژده جمهوری ما تا همه جای  
هاتف غیب به تأیید خدا خواهد برد  
در شهرستانها و ایالات نیز بر اثر تبلیغات امیران لشگر  
و نظامیان، مردم بتدریج هوادار جمهوری شده، با ارسال  
تلگرافهای مکرر به مرکز، این جانبداری خود را ابراز  
نمودند.

گسترده ترین و پر سر و صدا ترین احساسات جمهوری  
خواهی در منطقه ی غرب ایران ایجاد شده بود که از سوی  
امیر لشگر غرب، امیر احمدی (سپهبد بعدی) برنامه ریزی و  
اداره می شد و از نظر مالی تغذیه می گردید.

به دنبال بالا گرفتن موج جمهوری خواهی، سردار سپه  
بر آن شد تا با تسریع در انجام بقیه ی انتخابات دوره ی  
پنجم، مجلس را بسرعت دایر و در اولین فرصت با بردن  
لایحه یی به مجلس خواستار تغییر حکومت از مشروطه به  
جمهوری و انحلال قاجاریه و برکناری احمد شاه شود و  
به دنبال آن با انتخاباتی فرمایشی خود را به عنوان اولین  
رییس جمهور به ملت تحمیل نماید و روز اول فروردین  
۱۳۰۳ ه. ش. با اعلام تصویب مواد فوق قدرت را به دست  
گیرد.

سرانجام در میانه ی بهمن ماه ۱۳۰۲ شمسی / اوایل  
فوریه ۱۹۲۴ انتخابات پایان یافت و نمایندگان مجلس پنجم  
انتخاب شدند و تبلیغات ضد قاجاریه و مشروطه تشدید  
گردید و در مقابل آن تب جمهوری خواهی بالا گرفت و  
همراه با آن تلگرافهای طرفداران جمهوری نیز روبه  
فزونی گذاشت و سرمقاله ی روزنامه ها در فواید حکومت  
جمهوری بود و چنانچه گفتیم گسترده ترین این احساسات

جمهوری خواهی در منطقه غرب کشور پیدا شد که از سوی  
امیر لشگر غرب احمد آقا (سپهبد امیر احمدی در دوره ی  
سلطنت رضا شاه) برنامه ریزی شده بود. در این منطقه  
کلیه ادارات از جمله اداره ی پست و تلگراف زیر کنترل و  
نظارت مأموران نظامی و طرفداران جمهوری قرار گرفت  
به طوری که کلیه ی تلگرافها و نامه های پستی توسط  
آنان بازبینی می شد. به همین علت تمام نامه هایی که در  
دو ماهه ی بهمن و اسفند ۱۳۰۲ و اوایل فروردین ۱۳۰۳  
شمسی از شهرستانهای غرب کشور مثل همدان، اراک،  
سنندج و قزوین صادر یا به آن شهرها وارد می شد، بعد از  
بازبینی آن را با مهری مستطیل شکل با نوشته ی: «سانسور  
جمهوری طلبان غرب» مهر می نمودند که امروزه این  
مهر را روی پاکتهای با تمبر صورت احمد شاه (احمدی  
کوچک و احمدی بزرگ) همچنین بر روی کارتهای پستی آن  
دوره می توان دید.



در تهران نیز همزمان با تأسیس احزاب جدید با اسامی  
«حزب جمهوری»، «حزب جمهوری خواهان» و «حزب مستقل  
دموکرات ایران»، ادارات نیز به جمهوری خواهان پیوسته و  
در دبیرخانه های خود دفتر هایی برای نوشتن شعارهایی  
در تأیید جمهوری و مخالفت با قاجاریه و مشروطه گذاشتند  
و هر روز به عناوین مختلف ادارات، تعطیل و کارمندان  
جهت برگذاری میتینگهایی به طرفداری از جمهوری اعزام  
می شدند.

در طی این دو ماه، برنامه ریزان حکومت جمهوری  
وسایل استقبال از جمهوری را نیز به بهترین وجه تهیه  
کردند، حتی مراسم روز عید و عیدی دادن توسط رییس  
جمهوری را نیز پیش بینی و مقداری سکه های طلا و نقره  
با مضمون جمهوری برای توزیع بین مردم فراهم کرده

بودند.

با توجه به این مطلب که برای انحلال سلسله ی قاجاریه و لغو مشروطه و تأیید رژیم جمهوری، بایستی مجلس شورای ملی تصمیم می گرفت، تمام فعالیت جمهوری خواهان در سرعت دادن به انتخابات بقیه نمایندگان و افتتاح مجلس متمرکز شد و نمایندگان موافق حکومت جمهوری بسرعت به صورت بزرگترین فراکسیون مجلس با چهل نماینده به نام «فراکسیون تجد» تشکیل گردید.

در همین زمان در مقابل این جناح، جناحی دیگر به سرکردگی سید حسن مدرس و تأیید ضمنی روحانیون حوزه ها با بیست نماینده تشکیل گردید.

علت مخالفت روحانیون با برنامه ی جمهوری مشاهده ی نتایج انحلال خلافت عثمانی و اعلام جمهوری در کشور ترکیه بود که همزمان با همین ایام بود که از نتایج آن کنار گذاشتن روحانیون از حکومت و جدایی دین از سیاست و در حقیقت کوتاه کردن دست قدرتی بود که روحانیون در امور قضایی کشور داشتند.

پس از افتتاح مجلس و رسیدگی به اعتبار نامه ها قرار شد در جلسه ی ۲۸ اسفند ۱۳۰۲ شمسی به سه مسأله، انحلال سلسله قاجاریه، لغو مشروطه و اختیار حکومت جمهوری و بالاخره انتخاب سردار سپه به رییس جمهوری، رسیدگی و تصمیم گیری شود. در این جلسه، تشنجی که به دنبال نطق مدرس و سیلی خوردن وی از یکی از وکلای حسین احياء السلطنه] که از اعضای فراکسیون تجد بود به وجود آمد؛ جلسه مجلس تعطیل و رسیدگی به مسائل فوق به جلسه ی دوم حمل ۱۳۰۲ شمسی (دوم فروردین) موکول گردید. ولی در فاصله ی این پنج روز عده یی زیاد از وکلای تجد یا خود را کنار کشیدند و یا به جناح اقلیت پیوستند. همچنین انعکاس سیلی خوردن مدرس بین مردم منجر به ایجاد تظاهرات خیابانی و بسته شدن بازار و تشدید مخالفتها شد. اوج این مخالفتها در همان روز دوم حمل بود که مردم با شعارهای: «ما جمهوری نمی خواهیم»، «اراده، اراده ی ملت است»، «وما تابع قرآنیم، جمهوری نمی خواهیم»، تظاهراتی شدید در جلو مجلس انجام دادند و همین تظاهرات بود که منجر به درگیری با جمهوری طلبان و نظامیان طرفدار سردار سپه شد که نتیجه ی آن عقب نشینی سردار سپه و طرفدارانش و تضعیف فراکسیون تجد و تجدید نظر اعضای این فراکسیون در طرح درخواستهای خود در مجلس بود.

به دنبال حادثه ی دوم فروردین، سردار سپه بعد از سفر

به قم و ملاقات و مذاکره با روحانیون، در روز دوازدهم فروردین در اعلامیه یی به طور رسمی مخالفت خود را با جمهوری به آگاهی مردم رسانید و از موافقین جمهوری نیز درخواست نمود که از جمهوری خواهی خود صرف نظر نمایند. قسمتی از متن این اعلامیه به شرح زیر است:

«با علما و حجج در قم تبادل نظر کردیم و بالاخره چنین مقتضی دانستیم که به عموم ناس توصیه نماییم عنوان جمهوری موقوف و در عوض تمام سعی خود را مصروف سازند که موانع اصلاحات و ترقیات مملکت را از پیش برداشته در منظور مقدس تحکیم اساس دیانت و استقلال مملکت و حکومت ملی با من معاضدت و مساعدت نمایند. این است که به تمام وطن خواهان و عاشقان آن منظور مقدس نصیحت می کنم که از تقاضای جمهوریت صرفنظر کرده و برای نیل به مقصد عالی که در آن متفق هستیم با من توحید مساعی نمایند.»

سردار سپه پس از انتشار این اعلامیه که بر خلاف خواست درونیش بود، در تاریخ هجدهم فروردین از کار کناره گیری کرد و به حالت قهر از تهران خارج شد و به رودهن رفت.

بدین ترتیب نهضت جمهوری خواهی در نطفه خفه شد ولی به علت تحریکاتی که در پشت پرده انجام می شد در ایالات تا مدتی مسأله ی جمهوری ادامه داشت و شعار جمهوری خواهی و حمایت از بازگشت سردار سپه به تهران و در دست گرفتن قدرت ادامه داشت. از آن جمله تلگرافهای تهدیدی بود که از امیر لشکر شرق، حسین آقا و امیر لشکر غرب احمد آقا (سپهبد امیر احمدی)، به تهران رسیده، دربار و مجلسیان را تهدید به تسخیر پایتخت و سرکوبی مخالفین می نمودند.

سرانجام این تهدیدات باعث عقب نشینی نمایندگان و درباریان از مخالفتهای خود شده و خواستار بازگشت سردار سپه به تهران و در دست گرفتن قدرت و تشکیل کابینه شد و بدین ترتیب هیاهوی دوماهه ی جمهوری خواهی رضاخان سردار سپه و طرفدارانش که در اصل برای تضعیف قاجاریه و آماده کردن زمینه برای انحلال سلطنت قاجار بود بی نتیجه به پایان رسید.

پس از به پایان رسیدن ماجرای جمهوری که جراید مخالفت و طبقات مردم علیه جمهوری خواهان قیام کردند، شعرهایی سروده شد؛ از جمله سروده هایی معروف که در این زمینه گفته شد «جمهوری نامه» می باشد که در واقع کارنامه یا تاریخچه جمهوری به شمار می رود.



جمهوری نامه

«اثر میرزاده عشقی یا ملک الشعراء (۱) بهار»



تدین گفته مجلس هست با من  
 نمایم اکثریت را معین  
 شود این کار قبل از عید روشن  
 به جمهوری بگیرم رأی حتماً  
 .....  
 به تعلیم قشون اندر ولایات  
 مهیا تلگرافات و شکایات  
 ز ظلم شاه و دربارش روایات  
 ز جمهوری اشارات و کنایات  
 مسلسل می رسد با سیم و چاپار  
 زبلدان و زاقطار و ز انصار  
 .....  
 ز تبریز و زقزوین و ز زنجان  
 زکرمانشاه و کردستان و گیلان  
 بروجرد و عراق و یزد و کرمان  
 زشیراز و صفاهان و خراسان  
 زبجنورد و زکاشان و قم و لار  
 تقاضاها رسد خروار خروار  
 .....  
 سلام عید را بایست این بار  
 بگیرد حضرت اشرف به دربار  
 .....  
 موافق گشته لندن این سخن را  
 که فوری خواست «سرپرسی لرن» را  
 .....  
 اگر حرفی شنیدم از مدرس  
 جوابش گفت باید رطب و یا بس  
 اگر مقصود خود را کرد تکرار  
 به پیچیمش به دور حلق دستار  
 .....  
 به قدری این سخنها کارگر شد  
 که سردار سپه عقلش زسر شد  
 به جمهوری علاقه مندتر شد  
 بنای انتشار سیم و زر شد.  
 .....  
 از این افکار مالیخولیایی  
 به مجلس اکثریت شد هوایی  
 تدین کرد خیلی بی حیایی  
 به یکدم بین افرادش جدایی

اگر پیدا شود در ملک یک فرد  
 بمانند رضا خان جوان مرد  
 کندش دوره فوراً چند ولگرد  
 بفکر اینکه باید ضایعش کرد  
 بگویند از سر شه تاج بردار  
 به فرق خویشتن آن تاج بگذار  
 دریغ از راه دور و رنج بسیار  
 نخستین بار سازیم آفتابی  
 علامتهای سرخ انقلابی  
 که جمهوری بود حرف حسابی  
 چو گشتی تو رییس انتخابی  
 ببايد گفت کاین مرد فداکار  
 بود خود پادشاهی را سزاوار  
 .....  
 حقیقت بارک الله چشم بد دور  
 مبارک باد این جمهوری زور  
 از این پس گوشها کر چشمها کور  
 چنین جمهوری بر ضد جمهور  
 ندارد یاد کس در هیچ اعصار  
 نباشد هیچ در قوطی عطار  
 شاعر بعد از معرفی رجال و نمایندگان موافق جمهوری  
 مثل : علی دشتی، میرزا کریم خان رشتی، سید محمد تدین،  
 حسین صبا، حسین دادگر (عدل الملک)، سلیمان میرزا،  
 زین العابدین رهنما، شیخ العراقین، ضیاء الواعظین، دبیر اعظم  
 (فرج الله بهرامی) و میرزا ابوقاسم عارف شاعر معروف  
 می افزاید:  
 چه جمهوری عجب دارم من از او  
 مگر او غافلست از قصد یارو  
 که می خواهد نشیند جای قاجار  
 همان طوری که کرد آن مرد افشار



می رسد ولی طرفداران سردار سپه بویژه نظامیان شروع به تهدید می نمایند:

به تعلیمات مرکز از ولایات

رسید از احمد آقا (۳) تلگرافات

که سرباز لرستان و مضافات

نمایند از رضا خان دفع آفات

قشون غرب گردد زود سیار

سوی مرکز پی تنبیه احرار

امیر لشگر (۴) شرق آن یل راد

یک التیماتوم از مشهد فرستاد

به مبعوثان دو روز مهلتی داد

که آمد جیش تا فراش آباد

.....

وکیلان این تشرها چون شنیدند

ز جای خویش از وحشت پریدند

به تنبانهای خود از ترس ...

نود رأی موافق آفریدند (۵)

از تصنیف: جمهوری سروده میرزاده عشقی

تا تهیه درلندن، شد اساس جمهوری

خودسری تدارک شد بر قیاس جمهوری

ارتجاع استبداد، در لباس جمهوری

آمد و نمود، حیلہ بار نود

جمهوری نقل پیشکل است این

بسیار قشنگ و خوشگل است این

#### منابع:

۱- عارف قزوینی: کلیات

۲- مستوفی: عبدالله خاطرات، جلد سوم

۳- مکی حسین: تاریخ بیست ساله، جلد دوم

۴- ملک الشعراء بهار: تاریخ مختصر احزاب سیاسی: جلد دوم

۵- ملیکف: استقرار دیکتاتوری رضا خان در ایران،

ترجمه سیروس ایزدی

۶- میرزاده عشقی: کلیات

فتاد از یک هجوم نا به هنجار

از آن سیلی که خورد آن مرد دیندار (۲)

از آن سیلی ولایت پرصدا شد

دکاکین بسته و غوغا به پا شد

به روز شنبه مجلس کربلا شد

به دولت روی اهل شهر وا شد

که آمد در میان خلق سردار

برای ضرب و شتم و زجر و کشتار

.....

جمهوری بجای یک گام ره بود

خدا داند که این سیلی گنه بود

نه این سیلی زدن خدمت به شه بود

تدین خصم سردار سپه بود

.....

قشونی خلق را بانیزه راندند

ولی مردم به جای خویش ماندند

رضا خان را بجای خود نشانند

بجای گل بر او آجر پراندند

.....

بپا شد در جماعت شور و شرها

شکست از خلق مسکین دست و سرها

رضا خان در قبال این هنرها

شنید از مؤمن توپ و تشرها

.....

رضا خان شد از این حرکت پشیمان

به سعد آباد رفت از شهر تهران

از آن جا شد به سوی قم شتابان

حجج بستند با او عهد و پیمان

که باشد بعد از این بر خلق غمخوار

جمهوری نگوید هیچ گفتار

ولی باز به علت توهین به مجلس عده پی از نمایندگان

نیز از حمایت سردار سپه سر باز زدند و در نتیجه با حالت

قهر تهران را ترک کرده به رود هن می رود و همزمان با

رفتن وی، تلگراف احمد شاه نیز دال بر عزل سردار سپه

#### پانویس:

۱- در تاریخ مختصر احزاب سیاسی تألیف ملک الشعراء بهار جلد دوم صفحه ۷۳ به این مطلب اشاره شده است.

۲- اشاره به سیلی زدن مرحوم دکتر حسین آحیاء السلطنه عضو اکثریت (برادر فرج الله بهرامی) به صورت مرحوم سید حسن مدرس پیشوای اقلیت است.

۳- امیر لشگر غرب سپهبد امیر احمدی

۴- امیر لشگر شرق سرلشگر خزایی

۵- کلیات میرزاده عشقی از صفحه ۲۸۵ به بعد